

با سیاست‌های کلانی که ما برای آن مجموعه در نظر می‌گیریم نباید در تضاد باشد.

جلیلی نژاد: بر فرض آن که بتوانیم آیین‌نامه پیوست فرهنگی را به عنوان یک قانون در کشور جاری کنیم و با همه موانع و مشکلات آن را در عرصه واقعی جامعه پیگیری کنیم، ضمانت اجرایی آن چیست؟

مرویان: ضمانت اجرایی آن یک فرآیند می‌طلبد یعنی ما باید یک مرحله حساس‌سازی کنیم و در این فرآیند حساس‌سازی با ابزارهای مختلفی که در اختیار هست توجه همگان را به این جلب کنیم که می‌تواند یک پروژه از منظری برای شهر، مردم، اخلاق، فرهنگ و ارزش‌ها مفید باشد از منظر دیگر می‌تواند کاملاً در کوتاه مدت و یا دراز مدت مضر باشد. این حساس‌سازی باید آرام به یک گفتمان اجتماعی و به یک جریان‌سازی تبدیل شود. این جریان ابزارهای قانونی خودش را در اختیار

نمی‌شود ولی کرد.

گنابادی نژاد: در قالب الزامات گفتگمانی که اشاره شد به نظر بیشترین سهم به عهده حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها و بعد رسانه‌ها و مطبوعات هست. یعنی ماهنوز به یک گفتمان رایج و غالبی تحت عنوان مطالبه پیوست فرهنگی در بخش‌های

مختلف از جمله در مشهد نرسیده‌ایم. یعنی به راحتی اتفاقات بزرگ عمرانی، مدیریتی و تصمیم‌گیری می‌افتد و خیلی از چهره‌های شاخص حزب اللهی و ارزشی در آن تصمیمات سهیم هستند و نقش دارند اما هیچ‌گاه نمی‌بینیم در کنار آن اتفاقات کسی پرسشی داشته باشد که پیوست فرهنگی این اتفاق کجاست.



اولین باری که مقام معظم رهبری بحث پیوست فرهنگی را مطرح فرمودند سال ۱۳۸۶ بوده الان قریب به ۵ سال از این موضوع گذشته و تقریباً مایک دوره برنامه پنج ساله را پشت سر گذاشتیم و یک چهارم زمان کل سند چشم‌انداز در این زمان سپری شده است. این که شورای عالی فرهنگی در این موضوع هنوز تعیین تکلیف نکرده به نظر من نقص بزرگی است و می‌تواند هم‌زمان هم شورای عالی و هم کمیسیون فرهنگی مجلس راجع به این موضوع ورود پیدا کنند و قوانین و الزامات مرتبط را زودتر تصویب کنند البته در این میان در شهر مشهد نقش‌آفرینی مجموعه‌هایی مثل شورای شهر و کمیسیون فرهنگی آن خود می‌تواند به عنوان اقدامات میانی حداقل در رابطه با تصمیمات و صیانت از هویتی که در شهر مشهد منتسب به حضرت علی بن موسی الرضا (ع) است مفید و موثر باشد.

جلیلی نژاد: شما در حوزه کاری خود در عرصه فرهنگ‌سازی برای مطالبه پیوست فرهنگی چگونه ورود پیدا می‌کنید؟

مرویان: عرض کردم این فرآیند باید طی شود. فرمودند که از عناصر موثر، نگاه دین در این قضیه هست به هر حال دین

مرویان: این حساس‌سازی باید آرام به یک گفتمان اجتماعی و جریان‌سازی تبدیل شود و ابزارهای قانونی خودش را در اختیار بگیرد یعنی از کانال‌های قانونی، فرهنگی، با ادبیات منافع و مصالح فرهنگی، اجتماعی و دینی پیگیری و تبدیل به ساختار شود.

ظرفیت‌های فراوانی را در افراد ایجاد می‌کند و جلوی برخی منافع و مصالح افراد را هم می‌گیرد. نیاز به این داریم که این مفهوم ابتدا توسط عرصه‌های دینی و نخبگان به یک ادبیات مشترک شرعی، اخلاقی، قانونی و اجتماعی تبدیل شود بعد این مانیفست را در فضاهای اجتماعی و فرهنگی مطرح کنیم. اگر ما می‌خواهیم پیوست فرهنگی را در مشهد با توجه به افق و چشم‌انداز مشهد مقدس و پایتخت معنوی پیگیری جدی کنیم. باید اول به الزامات پیوست فرهنگی و پیش نیازهای آن برسیم. بعد هم فضا سازی اجتماعی کرد تا انتقال فرهنگی در این قضیه صورت بگیرد و به مرور فرآیند مطالبه و جریان‌سازی شکل بگیرد.

احدیان: همان طور که فرمودند قواعد و الزاماتی را که لازم داریم به عنوان سند بالادستی تصویر و تصویب کنیم و بعد جایی داشته باشیم که این‌ها را چک کند همان طور که در کشور شورای عالی انقلاب فرهنگی هست در استان هم شورای فرهنگی عمومی باید باشد. البته اصل منطقی این است که شورای عالی انقلاب فرهنگی تکلیف را روشن کند اما چون نباید صبر کنیم باید در شورای فرهنگی استان که مسئولیتش نماینده ولی فقیه که وزن قابل توجهی دارد و استاندار هم حضور دارد، به روش اجرای پیوست فرهنگی بر مبنای همان گفتگمانی که گفته شد برسیم.

گنابادی نژاد: در دنیا سرمایه‌گذاران معمولاً مقاومتی دارند و فشار مردمی آن‌ها را جهت‌دهی می‌کند، یکی از تفاوت‌هایی که واقعاً ایران به لحاظ هویت ایرانی اسلامی دارد و نباید از آن غفلت کنیم این است که اگر مایه درستی بتوانیم مسئله را تبیین کنیم همان سرمایه‌گذار هم وقتی بداند سرمایه‌گذاری‌اش می‌تواند نتایج معنوی، فرهنگی، مذهبی و اجتماعی در ابعاد مختلف داشته باشد و اصول اقتصادی‌اش حفظ شود به نظر می‌رسد که خود در تهیه و التزام به پیوست فرهنگی آن موثر باشد. آن احیای سرمایه‌های گذشته

مشهد هم چون فرهنگ وقف و نذورات حاکمی از این قصه است. ۷۰ درصد این شهر موقوفه است و شخص از مال شخصی خودش گذشته کار یا خدمات عام‌المنفعه‌ای سرمایه‌گذاری کرده است کار اقتصادی کرده اما یک هویت دینی، یک اثر اجتماعی، یک خدمت فرهنگی را پایه‌گذاری کرده است. پس الزام این را قابل تعمیم ندانیم که در پروژه‌های مختلف پیوست فرهنگی تعریف کنیم سرمایه‌گذار مقاومت می‌کند به نظر من این یک نکته است. نکته دوم این که در بحث اثر بخشی و تاثیر گذاری و مطالبه عمومی، اجازه بدهید این را اعتراف کنیم که تربیون‌های اثر گذار ما مخصوصاً تربیون‌های دینی و مذهبی و فرهنگی مان به شدت سیاست‌زده شده است و این سیاست‌زده بودن تربیون‌های دینی و مذهبی یک مقدار کانون توجه مسئله‌های بسیار مهمی مثل پیوست فرهنگی و آن گفتمان تمدنی را به حاشیه برده و این را نمی‌توانیم به عنوان یک آسیب نادیده بگیریم. اگر چه با وجود یک یا دو سمن (سازمان مردم‌نهاد) تخصصی موافقم که بیايند در کانون‌های فرهنگی و هیئت‌های مذهبی این را تزریق کنند اما فقط کار این دو تا سمن نیست. ما نسبت به سمن‌های دینی، مذهبی و بومی خودمان غفلت داریم. الان هیئت‌ها سمن‌های ما هستند و کانون‌های فرهنگی ورزشی و کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد داریم این‌ها مگر سمن نیستند؟ ولی الان بحث انتخابات را پیش بکشید و کاندیداهای اصولگرا و اصلاح‌طلب، همه حرف و دغدغه دارند اما این موضوعات گفتمان غالب تشکل‌های ارزشی ما نیست و لازم نیست سمن‌های جدیدی درست کنیم و این‌ها باید در راس باشند به نظر من نقش‌آفرینی بسیج را نباید نادیده بگیریم. ما تعداد قابل توجهی تشکل، ساختار، نهاد و موسسه فرهنگی داریم که مستقیماً ماژون و منصوب رهبری هستند آن‌ها حداقل در این موضوع پیشگام باشند. بحث دستگاه‌های دولتی و فرآیند قوانین در سرجای خودش محفوظ این‌ها حداقل بیايند پیشگام باشند. روز نامه خراسان هم یک مورد است بیايند عملکرد در نامه‌های بلندمدت و سالانه خودش را بپیوست فرهنگی‌اش منتشر کند حتی به عنوان یک الگو که نمونه‌ای شود برای سایر روز نامه‌هایی که می‌خواهند در حوزه مسائل نظام فعالیت کنند، پیوست فرهنگی ما این هست که این‌ها شناسنامه‌هایی شود که خوانندگان، طرفداران، منتقدین مستند به یک اسنادی بتوانند نسبت به این مجموعه‌ها اظهار نظر کنند الان کاملاً عملکردها، جریان‌ها، طرفدارها و مخالفت‌ها اعتباری هست.